

خاطرات بیر مرد

عباس منظر پور

سرشناسه	: منتظریور، عباس، ۱۳۰۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: خاطرات پیرمرد / عباس منتظریور.
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۳۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: منتظریور، عباس -- خاطرات
موضوع	: دندانپزشکان -- ایران -- خاطرات
موضوع	: Dentists -- Iran -- Diaries
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ / م ۸۱۳ / ر ک ۴۳
رده‌بندی دیوید	: ۶۱۷/۶۰۰۹۲
شمار کتابخانه ملی	: ۴۸۵۶۷۸۸



خاطرات پیرمرد

عباس منتظریور

طرح جلد: حمید آقدهی

صفحه‌آرا: اکرم مداح

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: دفتر فنی دانشجو

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲ طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۸۵۳۷۳۰ ☎ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹ 📠

سایت: www.rowzanehnashr.com 🌐

📧 telegram.me/rowzanehnashr

📷 rowzanehnashr

ISBN: 978-964-334-731-4

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۳۱-۴

تمام حقوق مادی و معنوی این نوشته در انحصار نویسنده آن - عباس منتظریور - است.

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	مقدمه نویسنده
۱۹	داستان‌های «اسمال بزاز»
۶۹	پیچک
۸۳	رحمت
۱۱۱	یاران دبیرستانی من
۱۲۰	کوچه «خبیر معظم»
۱۴۷	کوه لرزه
۱۷۱	ملوس و من
۲۱۱	کارنامه یک دندانپزشک
۲۱۳	دندان کشیدن از ادبیات
۲۱۹	دانشکده

۲۲۳	اولین مطب
۲۳۱	خدمت!!
۲۳۹	دومین مطب
۲۴۷	فومن
۲۵۷	حاج محمدعلی دندان ساز
۲۶۵	تشنه ماه
۲۷۵	وند
۲۸۹	شراز
۲۹۳	برلین
۳۱۹	خدا حافظ الدار
۳۲۳	دکتر حکیم باشی
۳۳۵	سلام پلشت
۳۵۳	دکتر عبدالله خان
۳۶۱	بازنشستگی
۳۶۷	جبهه

پیشگفتار

دکتر عباس همدانی، مدیرپرسی از جدی‌ترین تهران‌پژوهان، راوی ناگفته‌ی حکایت مردمان فرودست و یکی از مهم‌ترین و کم‌ادع‌ترین فرهیختگان نسل قدیم ایران، از میان ما رفت. هفده سال قبل که من به تهران آمدم، بعد از مجموعه‌ی خاطرات و شنیده‌های دکتر عباس منظرپور به شکل کتاب و با عنوان «در کوچه و خیابان» منتشر شد، افراد زیادی در بازار نشر ایران با نام او به عنوان یک نویسنده حرفه‌ای، مردم‌نگار و تهران‌پژوه آشنایی جدی نداشتند. حتی به هنگام خاموشی این مردم‌نگار بی‌ادعا کسانی که آشنایی شخصی با او داشتند نیز او را صرفاً به عنوان یک دنیاطبع شک‌فرهیخته و صاحب‌نظر در مسایل سیاسی و اجتماعی و معاشر و دوست‌بازی عام و ادب، و نه نویسنده حرفه‌ای، می‌شناختند. پیش از آن، نوشته‌های او، هر از گاه به شکل یادداشت‌های کوتاه در نشریات منتشر می‌شد، ولی اول اردیبهشت ۱۳۸۰، نخستین جلد از مجموعه سه جلدی دهنوشته‌ها و یادمانده‌های منظرپور درباره‌ی تهران و محلات قدیم آن، با نام‌های «شیربرنج‌نامه»، «در کوچه و خیابان» و «از دیار حبیب» به صورت کتاب منتشر شد. البته بعدها در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶، مجموعه این سه جلد در قالب یک کتاب ۵۴۰ صفحه‌ای به انتشار رسید، که به دلیل استقبال عمومی، پس از مدت کوتاهی نایاب شد و پس از آن نیز مکرر منتشر شده است.

من با آثار منظرپور تقریباً از همان ابتدای نشر آنها آشنا شدم و انس گرفتم. ولی

آشنایی شخصی و چهره به چهره با خود او، خیلی دیرتر، به شکل اتفاقی و از حدود هفت سال قبل در سال ۱۳۹۰ آغاز گردید و به سرعت بسیار عمیق و گسترده شد؛ درست مثل این نوع خاص از نوشته‌های منظرپور که خیلی دیر و تازه از ۷۰ سالگی او آغاز شد و به چاپ نخستین جلد از این مجموعه در ۷۲ سالگی نویسنده انجامید.

منظرپور اگرچه عمری با ادب و فرهنگ و سیاست قرین بود، ولی تا هفتاد سالگی مدتاً دندانپزشک خصوصی و پزشک کارمند دولت به حساب می‌آمد.

بازنشستگی، بیماری سخت همسر و خانه‌نشینی اجباری منظرپور برای مراقبت از همسر، او را به دست نوشتن درباره عشق گم شده همه زندگی‌اش، تهران و مردمانش، کشاند.

من از نوجوانی در سطح چهار دهه اخیر با نویسندگان و محققان ارجمند بسیاری حشر و نشر داشته‌ام. برخی از آنها نزدیک به آثار خود بوده‌اند و برخی را نیز کمتر و پایین‌تر از نام و تولیدات قلمی‌شان یا تنها ولی منظرپور از آن دست نویسندگانی بود که شخصیتش، عین آثارش، دلنشین و حتی بالاتر بود. تا جایی که فاصله سنی ۳۵ ساله بین نگارنده و منظرپور مانعی برای این دهه‌ای عمیق نشد.

این به آن معنا نیست که من با همه سمت‌گذاختی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی در نوشته‌های منظرپور موافق بودم. با این همه، بر این دارم که آثار منظرپور در مجموع چه به عنوان متن ادبی و اجتماعی و چه به عنوان مراد خارج پژوهش‌های تاریخی جایگاه ویژه و کمتر شناخته‌شده‌ای در تاریخ و ادبیات معاصر ایران دارد.

عباس منظرپور متولد اسفند ۱۳۰۸ در جنوب شهر تهران بود. او تا سن ۷۰ سالگی اگرچه هر از گاهی در نشریات، مقالات و ملاحظات را منتشر می‌کرد، ولی تا آن زمان عمدتاً به شغل و کسب و کار اصلی خود که دندانپزشکی و کارشناسی وزارت بهداشت بود می‌پرداخت و چندان به عنوان یک نویسنده حرفه‌ای شناخته نمی‌شد.

به گفته خودش، نوشتن خاطرات، یادمانده‌ها و شنیده‌هایش را (که خودش خوش

داشت نام پراکنده‌گویی‌ها بر آنها بگذارد) با شروع بیماری سخت همسر و در دوران مراقبت از او و به پیشنهاد فرزندش آغاز کرد- مجموعه‌ای که بعدها در قالب کتاب «در کوچه و خیابان» منتشر شد. از این جهت و با توجه به حال و هوای نگارش این مجموعه و برخلاف روحیه شاد منظرپور، تعجیبی ندارد که دست کم در بخش‌های آغازین کتاب، لحن او تا حد زیادی جدی است. هر چند رندی و طنزپردازی ذاتی نویسنده در لابه لای مطالب و البته به صورت مستقیم به چشم می‌خورد.

نویسند در این کتاب یکصد یادداشت کوتاه شامل خاطرات، یادمانده‌ها و شنیده‌های خود از زندگی مردمان جنوب شهر تهران را ثبت و منتشر کرده است. البته پس از این کتاب، نوشته‌های او را به یافت، نوشته‌هایی که در قالب کتاب حاضر منتشر می‌شوند. من که در ماه‌های آخر عمر دکتر منظرپور و با محبت و اعتماد وی مجال مطالعه این آثار جدیدتر و منتشر نشده پیدا کردم، و می‌توانم گواهی کنم چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا، نوشته‌های تازه منظرپور همچنان به پرباری و جذابیت کارهای قبلی و حتی در برخی موارد بالاتر هستند.

نوشته‌های دکتر منظرپور اگرچه یادداشت‌هایی به ظاهر جزا و کوتاه هستند، ولی از نظم و تسلسلی منطقی ولی نامحسوس در زمینه جزییات روایت و سیر زندگی و زمانه مردمان جنوب شهر تهران و دیگر شهرهایی که وی در آنها زیسته است برخوردارند. از یک نظر شاید بتوان دلنوشته‌های او را به سریال‌های تلویزیونی چند قسمتی شبیه دانست که هر قسمت از آنها خط روایی و داستانی مجزا و مستقل دارند، ولی در مجموع از زاویه دید راوی خود، یک سیر کلی و عمومی‌تر را پیش می‌برند. با این نگاه، هر یک از نوشته‌های منظرپور، هم به طور جداگانه قابل مطالعه‌اند و هم می‌توان آنها را در قالب یک مجموعه به هم پیوسته و دنباله‌دار دید.

منظرپور در آثار جاودانه خود به تفصیل و دقت از افراد، رخدادها، مشاغل و مناطقی یاد می‌کند که در کمتر اثر تاریخی و مردم‌نگاری دیگری به آنها توجه شده است.

برخلاف آثار جاودانه و بی بدیل یازده جلدی استاد فقید جعفر شهری (تهران قدیم و تهران در قرن سیزدهم) و دیگر آثار او که به طور گسترده به مسایل مختلف تاریخی و اجتماعی تهران پرداخته، تهران پژوهی منظرپور بیشتر توجه و دقت علمی و قلمی خود را متوجه محلات قدیمی و مرکزی تهران قدیم و تحولات آن می‌کند.

یکی از ویژگی‌های بسیار کم‌نظیر نوشته‌های منظرپور، توجه خاص او به افشاری رونق صنایع غذایی، به خصوص صنف کبابی و پهلوانان و لوطیان جنوب شهر تهران است. این توجه خاص، محصول شغل آباء و اجدادی منظرپور است که از متقدمین و پیشگامان طبخ باب بودند و همچنین ارتباط شخصی و خانوادگی او با ورزشکاران و پهلوانان و عیاناً در تهران.

چند سال بعد از انتشار کتاب «در کوچه و خیابان»، در سال ۱۳۹۱/۱۲/۲۰، کتاب کوچک دیگری در ۱۴۰ صفحه به نام «نادره دوران» از منظرپور در خارج از ایران منتشر شد. این کتاب در واقع ادامه حداثت‌های در کوچه خیابان بود که بعداً نگاشته شد.

منظرپور در سال‌های واپسین عمر خود، به اصرار و تشویق من دست به نگارش یادمانده‌ها و حکایات دوران اشتغال حرفه‌ای او به عنوان مور دندان پزشکی و بهداشت زد. او در دیدارهای مکررمان، دستنویس این یادداشت‌ها را به تدریج در اختیار من قرار می‌داد تا بخوانم و بعضاً نظراتم را در مواردی به نویسنده درج کنم. نظراتی که بعضاً با استقبال منظرپور مواجه می‌شد و گاه نیز مورد مخالفت او قرار می‌گرفت. بخشی از کتاب حاضر که تحت نام خاطرات یک دندان‌پزشک آمده است عبارت از هر روز یادداشت‌هاست. دوست دارم به نقل از کسانی که او را از نزدیک می‌شناختند چیزی در مورد رفتار او با بیماران به این بخش از کتاب بیفزایم - چیزی که کرامت نفس اجازه نداد کمترین اشاره‌ای به آن داشته باشد.

منظرپور در سلوک با بیماران شدیداً تحت تأثیر پزشک محبوبش نورالحکما بود که به گفته او به جای ویزیت جعبه‌ای در اطاق انتظار خود داشت با متنی به این مضمون

که «آنقدر که می‌خواهید بگذارید و آنقدر که برای مداوا نیاز دارید بردارید». دکتر منظرپور هم با توجه به توان و نیاز بیماران با آنها رفتار می‌کرد. بهره‌آ خانواده او از این رفتار ماست خانگی، جوته محلی و حتی خدماتی مانند واکس کفش بود که در ازای خدمات پزشکی تهاتر می‌شد.

در سال‌های اخیر دو بار مجال پیش آمد که به طور عمومی توجه گسترده‌تری به کارنامه د. منظرپور شود. نخست، در روز جمعه ۳۱ شهریور ۱۳۹۱/۲۱ سپتامبر ۲۰۱۲، به همت انجمن سخن، مراسم رونمایی از کتاب جدید او، نادره دوران و تجلیل از زندگی و کارنامه دکتر عباس منظرپور، در لندن برگزار شد که به جز خود استاد منظرپور، محمد صفریان و من، سخنرانان اصلی آن نشست بودیم.

دیگر، حضور استاد منظرپور به دعوت و مشارکت فعال من، در مستند نوستالژی به کارگردانی مهدی افشارنیک بود که به بررسی لایه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دیزی و آبگوشت در زندگی مردم می‌پرداخت. علاوه بر حضور در مقابل دوربین این مستند، منظرپور در یکی از برنامه‌های نمایش خصوصی این مستند در کتابخانه ملی ایران نیز حضور یافت و سخن گفت.

به گفته خود مرحوم استاد منظرپور، از او چند نوشته و ترجمه منتشر نشده دیگر نیز به جا مانده که امیدوارم در زمانی کوتاه منتشر و وارد بازار نشر شوند. باور من آن است که از بسیاری جهات، نگاه ژرف و متفاوت و فلم‌عنایتی منظرپور تکرار شدنی نیست و با وجود تعداد کم آثار منتشر شده از او، موقعیت و جایگاه او در ادب و فرهنگ معاصر ایران دست نیافتنی باقی خواهد ماند.

دکتر عباس منظرپور در ۲۹ فروردین در سن ۸۸ سالگی در تهران درگذشت.